

"اردوی ارضا کار میلی" یا "رضا کار ملی" ! ؟

تامردسحن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد!

پیوسته به گذشته بخش چهل و چهارم



محمد امین فروتن

مرد قوی هیکلی که بکس سنگینی را بر پشت کرده بود به حمالی گفت؛ می‌توانی این بکس سنگین را تا طبقه هفتم برای من حمل کنی؟ حامل پرسید؛ در مقابل چه می‌دهی؟ صاحب بکس گفت هیچ چیز! حامل درحالیکه فکر میکرد هیچ چیز هم شاید نوعی از مزد باشد بعد از آن که آن بکس را با سختی به طبقه هفتم رساند، منتظر مزدش بود و گفت؛ حالا همان هیچ چیز را بده! مرد شارلتان قوی هیکل گفت؛ گوشه ای از آن فرش را بالا بزن! چه می‌بینی؟ حامل گفت؛ هیچ چیز! مرد گفت؛ همان را بردار و برو!

دو سه روز پیش بود در یکی از شبکه های تلویزیونی افغانی که از کابل پخش میگردید چشم ام به یک کنفرانس مطبوعاتی افتاد که جلالتمآب محمد اشرف غنی رئیس دولت وحدت ملی افغانستان پس از انجام مذاکرات با یانس استولتنبرگ Jens Stoltenberg منشی عمومی ناتو NATO که تازه بر کرسی منشی عمومی آن سازمان تکیه زده بود در پاسخ به سوالات خبرنگاران سخن میگفت و قتی خبرنگاری به اسم **حامد مایار** از شبکه تلویزیونی شمشاد از آقای محمد اشرف غنی رئیس دولت وحدت ملی افغانستان پرسشی مبنی بر اینکه آیا خروج نیروهای ناتودر اواخر سال جاری از افغانستان مناسب میدانید درحالیکه جنگ ها نسبت به سال گذشته در تمام افغانستان با شدت ادامه دارد ؟ هرچند این پرسش جدید نبود اما پاسخ اش سخت بهت آورو شگفت انگیز بود زیرا پاسخ کسی بوده که قبل از انتصابش بحیث رئیس دولت به اصطلاح وحدت " میلی " نه " ملی " افغانستان لقب دؤمین متفکر جهان را بر رُخ همه رقبای خود **یدک** میکشید طبیعی است همه کسانی که درد وطن و اندیشه های انسانی دارند و برای بازگشت وقار و حرمت از دست رفته انسان باشند این سرزمین می اندیشند از خود می پرسند چگونه است که شخصیت بزرگ علمی و یکی از بزرگترین مراجع سیاسی مملکت ما

بدیهی ترین پرسشها و مقولات اجتماعی را با این ضرب زبانی ها و چشم بندی های معاصر پاسخ میدهند؟ اما قبل از طرح هر نوع قضاوت مان در باره این مؤلفه ها شاید لازم باشد که پاسخ های کاملاً متضاد و پارادوکسیال جلالتمآب محمد اشرف غنی احمد زی را با یادی از این بیت شاعر پرآوازه شرق حضرت سعدی علیه الرحمه که گفته اند: تامل دسحن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد! این بدان معناست که تا مرد سخن نگوید مردمان ندانند که او عالم است یا جاهل، ابله است یا عاقل، چون سخن گفت مقدار عقل و میزان فضل او دانسته شود بیان کنم.

<https://www.youtube.com/watch?v=GGmitao23ZU>

من این را بصورت مطلق مناسب میدانم که نیروهای ناتو از افغانستان خارج میشوند. زیرا در طول تاریخ افغانستان افغانها یک مرتبه اجماع نمودند که نیروهای بین المللی بیایند و با ما کمک نمایند. اکنون به فضل و مرحمت الهی تمامی نیروهای ارتش ملی افغانستان بصورت **رضاکارانہ !!** مشغول دفاع از وطن هستند، آیا کسی را مجبور ساخته ایم؟ اگر **رضاکارانہ !!** نه میبود شما اکنون باید در اردو میبودید.!!! با این جوانی که دارید.!! پس مردم افغانستان اراده نموده اند. و من نیز از تمامی نیروهای امنیتی که بصورت **رضاکارانہ !!** شامل ارتش ملی شده اند ابراز تشکر میکنم. ما شاهد کسانی هستیم که برای چهارمین مرتبه بصورت **رضاکارانہ !!** در اردوی ملی ثبت نام کرده اند.!! البته این بدان معنا نیست که جهان ما را تنها میگذارند مأموریت ناتو از اول جنوری تغییر می خورد و با ما در بخش تعلیم و تربیه - تمویل و تجهیزات کمک خواهند کرد بلکه این فصل جدید است و بامقتضای این شرائط جدید ما باید خود را عیار کنیم.!!!!!! البته ناآرامی های کنونی محصول تغییر محیطی اند که تمامی شرق میانه و کشورهای اسلامی را فراگرفته است یک کشور با کشور دیگری وابسته گی جغرافیای دارد لهذا این نا آرامی ها زود گذر اند و تغییر می یابند و نه باید نگران بود. ما قویاً عزم کرده ایم که با بکارگیری یک برنامه همه جانبه نه تنها در کشور ما امنیت را برقرار کنیم بلکه آنچه که هدف اصلی مان رسیدن به یک اقتصاد مرفه توام با صلح در کشور است بدست آوریم. که این مطالب از اهداف اولیه دولت وحدت ملی است....

جلالتمآب رئیس غنی! شما در کنفرانس مطبوعاتی فرمودید که ارتش ملی افغانستان اعم از اردو و پولیس " میلی " البته نه " ملی " ما بصورت **رضاکارانہ !!** از مادر وطن دفاع میکنند و روی همین دلیل خروج نیروهای ناتو بویژه سربازان امریکائی را بصورت مطلق مناسب میدانید.!! و گفتید که افغانها در طول تاریخ افغانستان یک مرتبه **اجماع** نمودند که نیروهای بین المللی بیایند و با ما کمک نمایند. شاید هیچ کسی که اندکترین درد میهن دوستی را داشته باشد با حضور هزاران سرباز بیگانه برای زمان طویل المده در سرزمین خود تن به رضایت دهند و در این فرآیند کوچکترین تردیدی نیست، حضور نظامی سربازان ناتو مسلماً نتایج منفی و پی آمدهای سخت زیانباری را در پی دارد. « محسوس ترین و درعین حال درد ناک ترین رسوبات این حضور، دربرگیرنده عناصر و اجزائی است از جنس " تحمیل و تسلط " کاربرد زور، نفی اراده ملی و حاکمیت عمومی - انتقای اصول و روابط دموکراتیک، بلی گویان برای مشروعیت حکومت های تحمیلی، استبدادی، کودتائی و بی پایگاه » چنین است که این حضور با هیچ منطقی توجیه پذیر نیست البته عجیب است آنها که دخالت کشورهای همسایه را صریحاً و یا با سکوت تائید آمیز و رضایت مندانه تائید میکنند شعار

خروج نیروهای بیگانه را سر داده اند و در این راستا تا آنجا به پیش میروند که نهاد های جداگانه ای با تشکیلات و دم دستگاه طویل و عریضی بنام مخالفت با نیروهای خارجی البته به کمک خارجی های به ظاهر مسلمان اما بدتر از هر اشغالگر دیگری بوجود می آورند . ۲

تراژدی انتقال امنیت یا تابوت سرنوشت افغانستان برشانه های غنی احمدزی :

من گاهی به دیگر مناسبت ها نیز بر این گفته و نکته هیگل Georg Wilhelm Friedrich Hegel فیلسوف نامدار غرب انگشت گذشته ام که از نظر وی همه رویداد ها و شخصیت های تاریخ جهان به اصطلاح دو بار به صحنه می آیند ، هیگل فراموش کرده است اضافه کند که بار اول به صورت تراژدی و بار دوم بصورت کمیدی ، آنچه در اوضاع واحوال اخیر جامعه ما و کمیدی بنام انتخابات افغانستان روبرو هستیم درست کاریکاتور آن گفته هیگل است که درباره حضور و به صحنه آمدن رجال و شخصیت های تاریخ گفته بودند . همین مهره های که بر تخته شطرنج تاریخ افغانستان به شکل تحقیرآمیز اما بر پله های مندرس پوش فرهنگ سلطنت پیچانده و به صحنه آورده شده اند درست آئینه همین کاریکاتور قدرت است . البته پس از آنکه باری اشرف خان غنی دوّمین متفکر جهان و رئیس کنونی دولت مستحجل و مستعجل " وحدت ملی " افغانستان قدرت اش را در مقابله با دیگر پهلوانان پنبه ای معرکه آزمودند و حتی نتوانست معیار های را که برای انتخاب کپتان تیم قلعه بزرگ را تعیین نموده بودند بدست آورد لهذا بلادرنگ پس از گردش مختصر و کله کشک ها در بازار مکاره " سیأ " ست ریاست کمیسیون انتقال قدرت از جامعه جهانی به آرتش " ملی " افغانستان را عهده دار شد . آن **اشرف غنی احمدزی** که از لحاظ اخذ رأی انتخابات ریاست جمهوری در پائین ترین رتبه قرار گرفته بود با رئیس **محمد اشرف غنی** ی امروزی چنان فاصله گرفته است که گویی این دو یکتا نیستند و شاید در افسانه ها و اساطیر داستان ها و حکایات متعلق با همان اشرف غنی خان احمدزی از قبیله کوچی شکست خورده دومین دور انتخابات ریاست جمهوری را مرور نموده باشیم . اما بعید است که حضرت محمد اشرف غنی دامت برکاته نداند اگر در روشنی ای روز و از برج های قلعه ارگ تظاهر برقبیله شریف **احمدزی** بودن را همچون میوه ممنوعه اعلام کنند اما شب هنگام بویژه آنگاهی که به خواب عمیق روند طناب های مستحکم غزّدی های از زندگی کوچی ها را لمس نکنند ؛ اکنون از این پاره گندگی های حیات کسی که نه تنها عزم کرده است تا کشتی سرنوشت ملت فقیر و آواره افغان را در تلاطم خونین تاریخ بسوی ساحل نجات رهنمائی کنند بلکه ما و نسل ما که بدون هیچ **نان** و **نامی** می نویسیم و با تناسب معلومات و اطلاعات مان قضاوت میکنیم و بخاطر قضاوت آنده گان نیز در هر مقطعی از تاریخ عرضه میداریم تا نسل های آنده ما در پرتو آن سرنوشت خویش را تعیین کنند فاصله میگیریم . چنانچه برخی از شما عزیزان گرانقدر میدانید و با شناختی که از من و با نوشته های من دارید یقین دارم عمیقاً به این حقیقت پی برده اید که خوشبختانه در برابر تمامی انواع ویروسهای از تبعیض نژادی ، لسانی ، قومی ، قبیله ای و مذهبی واکسینه شده ام و بینیش ام مالا مال از عواطف انسانی است که موتور وجدان ام را به حرکت می آورند و بصورت بالقوه هسته ای از حرمت به انسان بویژه کسانی که با من یکسان نه می اندیشند تشکیل داده است . لهذا با دریغ و تأسف میتوان گفت که انتخاب جناب اشرف غنی احمدزی بحیث متصدی کمیسیون انتقال قدرت نظامی و امنیتی افغانستان نه میتواند تصادفی باشد و باور کردن این واقعیت بسیار دشوار است که جناب محمد اشرف غنی احمدزی با اظهاراتی کاملاً خلاف واقعیت در باره **آرتش ملی** که گویا

افغانستان دارای یک ارتش " **رضاکار ملی!** " است و آن همه گزارشهای مبنی بر تقاضای مبلغ پنج میلیارد و چند صد میلیون دالر مصارف و هزینه های سرسام آوری را که از سوی ستر جنرال بسم الله محمدی نمائنده دولت اسلامی افغانستان در اجلاس اخیر سران کشور های ناتو واقع در انگلستان ارائه شد گزارشهای میان تهی دانیست . به هر حال بیائید مسأله را از یک زاویه و جهت دیگری مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم !

جناب رئیس غنی احمدزی ! شما در اوضاع و احوالی تصدی پست کمیسیون انتقال قدرت را بر عهده گرفته بودید که قبل از آن افغانستان دارای چندین صد پروند طیاره های جنگی مانند میگ Mig21، میگ Mig 23 - حتی هواپیماهای جت جنگی Mig29 و غیره هواپیما ها که با هدف ایجاد برتری هوایی توسط اتحاد جماهیر شوروی ساخته شده بود که با تأ سف در برنامه های بنام دایاگ Daiag و برنامه DDR یا برنامه خلع سلاح ساختن افغانستان در انبار های جداگانه ذخیره گردید و هیچکسی از سرنوشت آن چندین صد هواپیماهای جنگی که میراث چندین دهه ارتش منظم افغانستان بود اطلاعی حاصل نکرد . تنها آنگاه که گزارشهای مبتنی بر پرتاب چندین مرتبه سلاح های نیروهای آیساف به مخالفین مسلح دولت افغانستان منتشر شد روزنامه های معروف بریتانیا همچون گاردین The Guardian، دیلی میل Daly Mail چاپ انگلیس اسنادی را به نشر رساند که گویا اکثر آن سلاح ها ، مهمات به شمول هواپیماهای جنگی نسل میگ در اختیار نظامیان پاکستان قرار داده شد و جایی نهایت تعجب است که شخص دانشمندی چون جناب آقای محمد اشرف غنی احمدزی که مسؤل کمیسیون انتقال قدرت از نیروهای آیساف به نیروهای افغان بود نه تنها در راستای تقویت ارتش ملی افغانستان هیچگونه تقاضا و پیشنهادی را ارائه نکرد بلکه در باره سرنوشت صدها طیاره جنگی - سلاح و مهمات سبک و سنگین از قبیل تانک و نفربر ذخیره شده در زرادخانه های آیساف هیچگونه گفتگو بعمل نیاورد . جای تعجب آنجا و آنگاه است که در سال ۱۳۹۰ هجری شمسی حین ریاست کمیسیون انتقال قدرت آقای غنی احمدزی طی یک گزارش رسمی از قول آقای غنی احمدزی رئیس کمیسیون ارزیابی نیروهای امنیتی افغانستان گفته شد که قوای افغانستان ۹۰٪ آمادگی انتقال قدرت را داراست . این در حالی است که همین چند ماه قبل آنگاه که مجلس شورای ملی افغانستان وزرای امنیتی را به پارلمان فرا خواندند آقای عمر داوودی وزیر داخله دولت افغانستان با صراحت اعلام داشت که در انتقال قدرت به نیروهای افغان عجله و شتاب صورت گرفته است که افغانستان با این زودی برای انتقال قدرت آمادگی نداشت . بدون هرگونه تردید و کبری و صغری گفتن ها آقای داود زی بصورت شفاف و مستقیم حوزه مأموریت جناب اشرف غنی احمدزی را که وظیفه خطیر ارزیابی همه جانبه اردوی ملی افغانستان را بر عهده داشت نشانه گرفت . البته باید اذعان داشت که هیچگاه نباید از جامعه جهانی و کشورهای خارجی توقع داشت تا اردوی ملی افغانستان را با سلاح های جدید و مدرن تجهیز نمایند اما چشم پوشی از صد های طیاره جنگی و صد ها چاین تانک زرهی و دیگر سلاح های سبک و سنگین را به هر دلیلی بی کفایتی شخص جناب محمد اشرف غنی باید دانیست که مسؤلیت ارزیابی همه جانبه کمیسیون انتقال قدرت را بر عهده داشت به هیچ وجه این نوع چشم پوشی از سوی کسی که داری بلند ترین القاب علمی و تخصصی در حوزه اندیشه و تفکر است هرگز از حافظه تاریخ زدوده نخواهند شد .



اما سرنوشت آن همه سلاح های دیپوشده توسط نیروهای خارجی به کجا رسید؟ دریکی از روزهای خزانی آنگاه که سرتاج عزیز مشاور امنیتی نواز شریف و سرپرست وزارت خارجه پاکستان پرده از یک معامله بزرگ فروش سلاح بر عربستان را برملا ساخت

<https://www.youtube.com/watch?v=SRWBbtvULDA#t=126>

و مقامات امنیتی عربستان نیز با تحویل گرفتن نخستین محموله سلاح خریداری شده از پاکستانرا در جهت تجهیز تروریسته های " داعش " در اختیار تروریستهای سلفی یا همان زنگیان مست و خونین ترین جنایتکاران تاریخ سپردند و لشکریانی از داعش نیز در یک صبح روشن سوار بر صدها پیکپ کمک داده شده عربستان و اسرائیل بسوی عراق و سوریه حرکت نمودند .

ادامه دارد

۱: شاید هدف اجماع میلی نه ملی کنفرانس بن بوده باشد

۲: اشاره به تشکیلاتی است که از برکت همین نظام مافیائی حاکم برافغانستان بنام جبهه ملی برضد پایگاه های خارجی را ایجاد کرده اند و از آنجائیکه انگیزه این همه تلاشها حصول ثروت و قدرت است و با استدلالهای کودکانه متوصل میشوند هر چه زور میزنند به جایی نه میرسند ...